



گفتگو با حسین سبحانی، سازنده پادکست «چنین شد»

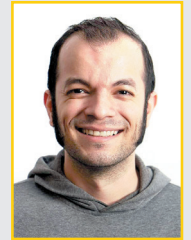
رسانه همیشه سبز

صدایی برای آینده

حسین سبحانی می‌گوید: نگاه من به مراحل تولید «چنین شد» وسواس گونه است. برخی تصور می‌کنند هر کسی که علاقه‌مند باشد می‌تواند حتی در خودرو صدایش را ضبط کند و به گوش دیگران برساند، شاید این نگرش درست باشد اما من مایلم وسواس داشته باشم. برخی از دوستانم معتقدند این وسواس باعث کم‌کاری و کمتر دیده شدن می‌شود اما نگاه بلندمدت به من اجازه نمی‌دهد صرفاً یک محتوای مصرفی تولید کنم.

این پادکستر در بیان خاطره‌ای از تولید محتوا در زمینه تاریخ می‌گوید: زمانی که در اینستاگرام ویدئوهای تاریخی می‌ساختم ویدئویی درباره ملک‌الشعرای بهار منتشر کردم، پس از مدتی خامی به من پیام دادند و گفتند من نوه ملک‌الشعرای بهارم و مادرم آخرین فرزند مرحوم بهار است و ایشان این ویدئو را دیدند و تشکر کردند. این پیام حس بسیار خوبی برای من به ارمغان آورد که ویدئو از استانداردهایی برخوردار بوده که توانسته خانواده مرحوم بهار را راضی کند و همین رضایت، حس بسیار خوبی به من داد.

او می‌افزاید: تولید «چنین شد» آورده مالی نداشته اما اعتبار خاصی به من داده است. در مراحل تولید این پادکست، دوستان بسیار زیادی یافته‌ام و افراد زیادی به من لطف دارند. وقتی حرف از پادکست می‌شود و می‌گویم من سازنده این پادکست هستم، برای افراد بسیار جالب است و همین جذابیت، حس بسیار خوبی در من ایجاد می‌کند که بسیار ارزشمند است.



پادکست «چنین شد» روایتی مستند از آدم‌ها، مکان‌ها و اتفاقاتی است که قصه‌های شنیدنی دارند. حسین سبحانی، راوی این پادکست، متولد سال ۱۳۶۹ است و در زمینه کارشناسی ارشد عمران سازه تحصیل کرده اما در بین راه در می‌یابد که جهانش با دنیای کتاب‌های صوتی و پادکست گره خورده است. علاقه او به دوره تاریخی قاجاریه و قصه‌گویی، منجر به تولید پادکست چنین شد می‌شود. تاکنون ۱۴ اپیزود از این پادکست منتشر شده و به موضوعاتی نظیر زندگی و آثار صادق هدایت، زندگی فروغ فرخزاد، جمعیت نسوان وطن خواه ایران، زندگی نیما یوشیج و همسرش عالیبه جهانگیر، جراید نسوان، اولین روزنامه‌های زنان ایران و... پرداخته است. شیوه دقیق تحقیقی این پادکست آن را به یک اثر شنیدنی تبدیل می‌کند. حسین می‌گوید برای تهیه هر اپیزود تقریباً صد ساعت زمان لازم است تا آن اپیزود به گوش مخاطبان برسد.

داستان تولد «چنین شد»

حسین سبحانی درباره چگونگی تولد پادکستش می‌گوید: مراحل ساخت این پادکست از دی‌ماه سال ۱۳۹۹ آغاز و اولین اپیزود آن در بهمن‌ماه منتشر شد. ایده این پادکست از علاقه من به تاریخ به‌خصوص دوره قاجاریه نشأت می‌گیرد. پیش از تولید «چنین شد»، در صفحه شخصی اینستاگرام امکان دوره قاجاری تهران را معرفی می‌کردم که این ویدئوها با استقبال فراوانی مواجه شد و من دریافتم که بسیاری از افراد به شنیدن این روایت‌ها علاقه‌مندند. پس از مدتی دریافتم ساخت ویدئو کار سختی است و نیاز به زمان و انرژی بیشتری دارد. پادکست، پیچیدگی‌های تصویر را ندارد و همچنین زمان بیشتری برای ارائه مطالب در اختیار می‌گذارد. به این ترتیب پادکست چنین شد شکل گرفت.

او می‌افزاید: بسیاری از موضوعاتی که تاکنون در این پادکست مطرح شده‌اند به علت جذابیتی بوده که آن موضوعات برایم داشتند. گاهی دوستان و مخاطبان، موضوعاتی را که به خط پادکست مرتبط باشد مطرح می‌کنند تا به آن‌ها نیز بپردازم اما هسته اصلی کار، صرفاً علاقه‌های شخصی من است.

آدم‌های جالب و روایت‌های جذاب مرا به موضوعات علاقه‌مند می‌کنند، مثلاً درباره زندگی فروغ فرخزاد، پرونده مفصلی باز کردم که در چند اپیزود منتشر و با استقبال بسیار خوبی مواجه شد. با وجود این که هرگز طرفدار و مخاطب شعر فروغ نبودم اما دوست داشتم درباره او بیشتر بدانم، زیرا هم ماجراهای زندگی‌اش شنیدنی است و هم مخاطبان زیادی به شعر و کاراکتر فروغ علاقه دارند. بنابراین مطالعات عمیقی درباره او انجام دادم و حاصل آن سه اپیزود است که تاکنون شنیدنی‌ترین اپیزودهای «چنین شد» بوده و نزدیک به ۳۰۰ هزار بار شنیده است.

صداساعت عشق

حسین سبحانی درباره نحوه تولید پادکست می‌گوید: ۱۳ اپیزود از «چنین شد» را به تنهایی تهیه و تولید کرده و تمام مراحل آن از پژوهش تا ساخت و پخش را به تنهایی انجام دادم. اخیراً دوستانی که به بخش پژوهش و نویسندگی علاقه دارند در این زمینه به من کمک می‌کنند.

* با رونق پادکست‌ها رسانه‌دیگر انحصاری نیست و در اختیار کسانی قرار گرفته که

حرفی برای گفتن دارند

* تعدد پادکست‌ها سبب شده هر فردی، موضوع و پادکست مورد علاقه‌اش را به

راحتی بیابد

اگر قرار باشد پادکست در شبکه‌های اجتماعی دیده شود نیازمند فعالیت‌های منسجم و دقیقی است و من ناچار بودم همچون ارتش یک‌نفره عمل کنم.

این پادکستر ادامه می‌دهد: برای پیدا کردن منابع لازم است به موضوع ورود کرده و جزئیات آن را ارزیابی کنید، پس از آن گویی خود موضوع روشنگر راه پژوهش است و در این زمینه معتقدم «تو پای به ره در نه و از هیچ مهرس/ خود راه بگویدت که چون باید رفت».

اولین گام را که برمی‌دارید منابع جدید را می‌یابید و گاهی یک کتاب، خود منبع چند کتاب و پژوهش دیگر است. به‌هرحال جوینده یابنده است و اگر فرد، کنجکاو ذاتی داشته باشد از سرک کشیدن به منابع مختلف لذت خواهد برد و مراحل پژوهش برایش جذابیت خواهد داشت. او می‌افزاید: ارتباط من با مخاطبان از طریق اپلیکیشن‌های پادکست و صفحه اینستاگرام است که بسیاری از مخاطبان، نظر خود را درباره اپیزودها آنجا بیان می‌کنند و باعث می‌شود ارتباطی دوسویه با مخاطبان شکل بگیرد. خوشبختانه «چنین شد» مخاطبان وفاداری پیدا کرده که سبب خرسندی است.

مدتی پیش بسته‌ای از یک مخاطب نادیده در کانادا دریافت کردم که نامه‌ای همراه آن بود و این ابراز علاقه‌ها بسیار سبب دلگرمی و خوشحالی است. مخاطبان درباره موضوعات جالبی اظهارنظر می‌کنند و گاهی نظرسنجی می‌کنم تا آنچه را که به خواست آن‌ها نزدیک‌تر است تولید کنم.

رسانه همیشه سبز

سبحانی درباره آمار مخاطبان می‌گوید: در این زمینه نمی‌توان آمار دقیقی ارائه کرد، زیرا اپیزودها در پلتفرم‌های مختلف پخش می‌شوند و نمی‌شود آمار همه این‌ها را باهم داشت.

«چنین شد» در ابتدا روی یک هاست خارجی بود که پس از گسترش تحریم‌ها این هاست، ایران را تحریم کرد و دیگر اپیزودها برای مخاطبان ایرانی قابل‌پخش نبود، در نتیجه آماری را که از آن هاست داشتیم از دست دادیم. ضمناً پادکست، محصولی همیشه سبز و پویاست، محتوای آن هر روز شنیده می‌شود و ممکن است هر لحظه آمار مخاطبان آن بیشتر شود. هر پادکست به طور متوسط ۳۰ هزار بار شنیده می‌شود.

این پادکستر درباره نقش پادکست‌ها در ایجاد اثرات فرهنگی می‌افزاید: همیشه به این نکته فکر می‌کنم و در تلاشم تا به‌اندازه سر سوزنی بتوانم در ارتقای فرهنگ و ترویج آن گام بردارم یا سبب شوم افراد درباره فرهنگ ایران، غور و تفکر بیشتری کنند. رضایت قلبی از این فعالیت برای من کافی است، تاکنون این‌گونه بوده و امیدوارم این روند ادامه داشته باشد.

گاهی به این موضوع فکر می‌کنم که ۲۰۰ یا ۵۰۰ سال بعد که من در این جهان نیستم آدم‌هایی می‌توانند صدایم را بشنوند و امیدوارم این اطلاعات برای آن‌ها کاربردی باشد و این نگرش یکی از انگیزه‌های من برای تولید پادکست است.



داستان نامه‌ها

سبحانی با اشاره به علاقه خود به نامه‌های تاریخی می‌گوید: نامه‌های تاریخی جزو اسنادی هستند که به نظر من مغفول مانده‌اند؛ سندهای دست‌اولی که در آن‌ها بدون حاشیه، پیرایه و کم و زیاد، درباره اشخاص، مکان‌ها، وضعیت اجتماعی و اوضاع سیاسی گفتگو شده است.

منبع اپیزود اول «چنین شد» درباره ماجرای عاشقانه غلامحسین ساعدی و طاهره کوزه‌گرانی، همین نامه‌هاست. من این نامه‌ها را خواندم و تصمیم گرفتم روایت را بر مبنای آن شکل دهم، زیرا در این زمینه اطلاعات بسیار اندک است. از طریق همین نامه‌ها می‌توانید دریابید که آن‌ها در چه دوره‌ای زندگی می‌کردند و وضعیت خانوادگی، اجتماعی و حتی روحی و روانیشان چگونه بوده است.

در مورد اپیزود سیمین دانشور و جلال آل‌احمد نیز نامه‌ها منابع بسیار مهمی برای من بودند. در «چنین شد» اصل بر این است که اگر در مورد موضوعی، نامه وجود داشته باشد حتماً باید به سراغ نامه‌ها رفت.

این پادکستر درباره فضای پادکست فارسی در این سال‌ها می‌گوید: پادکست فارسی از نظر تعدد موضوعات و عناوین در شرایط خوبی است و هر کسی با هر سلیقه‌ای می‌تواند پادکست مورد علاقه‌اش را پیدا کند. جای خوشحالی است که مخاطبان، پادکست فارسی را شناخته‌اند و عده زیادی که به اینترنت دسترسی دارند با پادکست آشنا هستند. در این شرایط رسانه دیگر انحصاری نیست و در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که حرفی برای گفتن دارند.

روزنامه اطلاعات مصداق جالبی در این زمینه به حساب می‌آید، زیرا با وجود قدمت ۹۹ ساله‌اش یک منبع دست‌اول در تاریخ معاصر ایران است و من هم این نگاه بلندمدت را به پادکست دارم.

انجام این مراحل به تنهایی بسیار سخت است و برای تولید هر اپیزود حدود ۱۰۰ ساعت زمان لازم است تا آماده پخش شود. مرحله اول ساخت اپیزود، پژوهش و نویسندگی است، بعد ضبط و ادیت و سپس انتشار آن.